

ایده‌های فکری شهید مزاری و وضعیت فعلی جامعه هزاره



آزرا جوادی
نویسنده و پژوهشگر

گرچند ما نسل زمان شهید مزاری نیستیم که بتوانیم به صورت ملموس و خیلی واقعی ایده‌ها و آرمان‌های شهید مزاری را با توجه به فعالیت‌های ایشان در حوزه حیات جمعی به تصویر بکشیم، اما در نتیجه جستارهای مان به این درک می‌رسیم که شهید مزاری راه اصلی برون‌رفت از حصار محرومیت و تبعیض و گذار از وضعیت اجتماعی و سیاسی غیر انسانی و تعصب آمیز و صف‌بندی‌های نژادی و مذهبی خونبار و ویرانگر و رسیدن به برابری و عدالت را از مسیر اصلاحات، توسعه فرهنگ و باورهای مردم می‌جسته است. چنان‌که دغدغه اصلی ایشان رسیدن به عدالت اجتماعی و برخورداری همه افراد جامعه از حقوق برابر شهروندی بوده است.

مخوف سازمان اطلاعات آن رژیم به جرم انتقال و ترویج کتاب گذشته است. مکرر در مکرر شنیده‌ایم، خواننده‌ایم و نمونه‌هایی را هم دیده‌ایم که مزاری و همزمانش در روزها و سال‌های نخست جهاد، کتابخانه "سیار فتح ن. ص" را گشودند و خانه به خانه مردم پیش از تفنگ و مرمی، کتاب رساندند تا جایی که بین مردم آوازه بوده و به یک باور تبدیل شده بوده که "نصری‌ها" آدم بی-سواد را در جمع خود نمی‌گیرند. هیچ مقطعی از زندگی شهید مزاری و یارانش خالی از مبارزه فکری و تلاش برای فرهنگ سازی و تولید اندیشه و تقویت دانش جامعه نیست. حتی در دشوارترین شرایط جنگ همانند جهنم جنگ تحمیلی بر مردم غرب کابل و بعداً در تمام هزاره جات در نیمه نخست دهه هفتاد خورشیدی، از کمترین امکانات موجود برای تقویت و گسترش دانایی و حتی برای تعلیم و آموزش‌های مسلکی و تخصصی و فرستادن دانشجویان به کشورهای مختلف استفاده گردیده است.

با شهادت رهبر شهید، یاران او پرچم خونین او را در عرصه نبرد و مقاومت به خوبی و با افتخار و عزت و با قامت

انسانی شدن سیاست در افغانستان و رسیدن به خودباوری از راه تحول فرهنگی و تغییر باورهای متعصبانه و کور، یکی از مؤلفه‌های مهم فکری شهید مزاری است که ثابت می‌کند ایشان توسعه فکری و فرهنگی را مقدمه‌ای بر توسعه سیاسی می‌دانسته‌اند و به این باور بوده‌اند که زمانی عدالت در جامعه نهادینه می‌شود که ذهنیت مردم در حدی انکشاف پیدا کند که بتواند شخصیت انسانی خود را باور کرده و خود در مورد سرنوشت‌شان تصمیم بگیرند. لذا گام‌های نخست مبارزات شهید مزاری با ساختار غیر انسانی سیاست و بافت فرهنگی و اجتماعی متعصبانه با فعالیت‌های فکری و فرهنگی همچون ایجاد کتابخانه‌ها و نهادهای فرهنگی و تحقیقاتی و برگزاری برنامه‌های آموزشی و راه‌اندازی نشریات و تشویق جوانان و نوجوانان برای کسب دانش برداشته می‌شود.

رهبر شهید نخستین روزهای مبارزه سیاسی اش، با خواندن کتاب و انتقال کتاب شروع شده است و سخت‌ترین دوره زندگی مبارزاتی اش هم در زندان‌های رژیم استبدادی شاه ایران همراه با شکنجه‌های روحی و جسمی دستگاه

66

متأسفانه پیروان شهید
مزاری مؤلفه‌ی اساسی
اندیشه و مبارزه ایشان را
که تولید فکر و تقویت
فرهنگ و خلق باور از راه
کتاب و قلم بود را تا حدود
زیادی به دست فراموشی
سپردند و بیشتر مشغول
نبرد نظامی و مبارزات
سیاسی شدند که این
غفلت باعث ایستایی در
روند فعالیت‌های شهید
مزاری در این حوزه گردید
و آن تأثیری را که
می‌بایست و رهبر شهید
مقصد داشت.

99

مزاری را در دست داشتند، در عرصه مقاومت مسلحانه و دفاع از مردم و در عرصه‌های نبرد و تا حدودی میدان‌های سیاست درخشیدند ولی در عرصه علم و فرهنگ و تبیین زاویه‌های پنهان مبارزات عدالت‌خواهانه رهبر شهید و دیگر شهدا و مبارزان فداکار، ناکام بوده‌اند. حتی زندگی و تاریخ مقاومت به درستی تدوین نشده است و اسناد دوره مقاومت کم‌کم از بین رفته است. کار به جایی رسیده که از این خلاء، دشمنان سرسخت و قسم خورده مزاری استفاده کرده و به روایت وارونه و مقلوب از دوره و جبهه مقاومت و تدوین تاریخ آن وحتى برخی از مغرضین در پوشش دوستی و پیروی از مزاری به روایت زندگی او و تدوین تاریخ مبارزاتش پرداخته است که چهره خلاف از او برای تاریخ و نسل‌های بعد از این ساخته و می‌سازند.

هرچند موج خود جوش شور و شوق مکتب و دانشگاه رفتن و ایجاد کورس‌های آموزشی، دانشگاه‌ها و مکاتب خصوصی و راه‌اندازی نشریات و رسانه‌های صوتی و تصویری، به خصوص در جامعه هزاره جرقه امید را در دل‌های مردم محروم و زجر کشیده روشن کرد و ما از نظر کمی، شاهد پیشرفت چشم‌گیری در این چند سال بوده‌ایم، اما متأسفانه واقعیت امر را نمی‌توان انکار کرد و آن اینکه؛ اول انگیزه فعالیت‌ها اکثراً مادی بوده و ما می‌بینیم که بیشتر به کمیت توجه صورت گرفته تا کیفیت و آنگونه که از نظر کمی رشد وجود داشته است از نظر کیفی در سطح پایینی قرار داریم. دوم اکثر این فعالیت‌ها استقلالیت مالی نداشته‌اند لذا آنگونه که باید در مسیر رشد فرهنگ و دانش جمعی نقش ایفا نتوانسته‌اند. سوم رشد قابل توجه کمی در این بخش‌ها در جامعه هزاره باعث عدم توجه به کیفیت فعالیت‌ها و ایجاد شکاف عمیق میان کمیت و کیفیت گردیده است، چنانچه ما امروز افراد با مدرک بسیار داریم اما با

استوار از زمین برداشتند و نگذاشتند خون پیشوای شهید و دیگر شهداء، پایمال شود. اما متأسفانه پیروان شهید مزاری مؤلفه‌ی اساسی اندیشه و مبارزه ایشان را که تولید فکر و تقویت فرهنگ و خلق باور از راه کتاب و قلم بود را تا حدود زیادی به دست فراموشی سپردند و بیشتر مشغول نبرد نظامی و مبارزات سیاسی شدند که این غفلت باعث ایستایی در روند فعالیت‌های شهید مزاری در این حوزه گردید و آن تأثیری را که می‌بایست و رهبر شهید مقصد داشت، در تغییر سرنوشت مردم نگذاشت. در حالی که تا ساختار بهم‌ریخته فرهنگی و ذهنیت تاریک اجتماعی و سیاسی چند قرنه حاکم تغییر نکرده است، ما نمی‌توانیم دست آورد سازنده‌ای در حوزه سیاست داشته باشیم و تغییر در این حوزه ممکن نیست مگر از راه فعالیت‌های مثمر فرهنگی و آموزش.

اگرچه ما منکر بدی شرایط و وجود موانع و محدودیت‌ها نیستیم اما قراین و شواهد بیانگر کوتاهی و کم‌کاری و غفلت حزب وحدت و پیروان سرسخت شهید مزاری بعد از وی در عرصه‌های مختلف به خصوص در حوزه فرهنگی و آموزشی که مزاری آن را اساس تحول در مسیر رسیدن به عدالت می‌دانست، است. رهروان شهید مزاری نه تنها در شرایط بد و دشوار، بلکه در سالهایی که شرایط و زمینه کار فراهم بوده نیز حتی در بامیان، دایکندی، جاغوری و غرب کابل و در میان مردم هزاره برنامه‌های مفید برای توده‌ها و نسل بعد از مزاری نداشته و در راستای تغییر و تحول افکار مردم و توسعه فرهنگی از راه‌های اساسی و ماندگار کار ریشه‌ای و بنیادی نکرده است و تنها به برگذاری برنامه‌های سطحی تبلیغی و مراسم‌ها بسنده کرده است.

کسانی که میراث مبارزات شهید

سواد ما انگشت شمار است و در موارد نیاز کم می‌آوریم. چهارم رشد سریع و چشم‌گیر کمی باعث ایجاد غرور کاذب و گمراه کننده در میان جامعه هزاره گردیده و ما را از ریشه‌های اصلی مسائل جمعی و دستیابی به راه حل‌های ریشه‌ای دور نگه داشته است. پنجم و در نهایت هیچ دانشگاه و مرکز تولید تخصص و دانش، مستقیماً ربطی به مجموعه بر جای مانده از مزاری ندارند و به همین دلیل یا نسبت به مزاری و راهش شک و تردید دارند و یا غافلند و از همین رو بین رهبران سیاسی هزاره که نوعاً یاران رهبر شهید در دوران سخت مبارزه بوده‌اند و بعد از او وارثانش و نسل نو تحصیل یافته فاصله فکری و ذهنی بسیار تا سر حد تضاد و خصومت ایجاد شده است.

در این عرصه، کوتاهی و کم کاری حزب وحدت و در کل رهبران هزاره، هم در قسمت شناخت مسائل، ضروریات جامعه و طرح و برنامه‌ها و فعالیت‌های درون حزبی و مردمی، و هم در قسمت فعالیت‌های رسمی به خوبی محسوس و مشهود است. ما در واقع بازی و چانه‌زنی سیاسی انجام داده‌ایم، اما کار اساسی در عرصه تحول و رشد فرهنگ و دانش انجام نداده‌ایم تا مسیر رسیدن به خودباوری باز شده و امکان دستیابی به عدالت و برخورداری از حقوق شهروندی برابر فراهم گردد. همانگونه که شهید مزاری می‌اندیشید و در این زمینه تلاش کرد.

از نسل جدیدتر که بعضاً در کنار رهبران سیاسی هزاره و برخی هم با حمایت آنها و تعدادی هم بدون حضور در مبارزات سیاسی دوره مزاری و بعد از او سر بر کشیده‌اند،

در این چند سال مجموعه‌های زیادی با شعارهای خوبی در راستای مبارزه با بی‌عدالتی و ضدیت با تبعیض ایجاد شده و نمایش‌ها، راه پیمایی‌ها و حرکت‌های مدنی زیادی صورت داده‌اند اما محتوای هیچ کدام، آن چیزی را که در هدف، باور و عمل شهید مزاری که واقعاً باور بنیادی و عملی در زمینه رسیدن به عدالت اجتماعی و انسانی شدن سیاست و محو تبعیض بود ندارد و کارکرد بنیادی نداشته زیرا ما از اصل مسئله دور مانده‌ایم و بیشتر روی موج احساسات سوار شده‌ایم تا درک واقعیت‌ها و ضروریات اساسی جامعه خود و شناخت راه کم هزینه و اساسی رسیدن به مقصد.

هر چند بخشی از فعالیت‌هایی که جدیداً در حوزه تحقیقات و کارهای فرهنگی شروع شده است، مایه امیدواری است اما آن هم اگر متناسب با رشد سطح آگاهی جمعی پیش نرود، تأثیر چندانی بر سرنوشت جمعی نخواهد داشت و در نهایت فاصله ما با مزاری زیاد شده می‌رود و مزاری همچنان مظلوم و چهره ناشناخته باقی خواهد ماند. این همه حرف، توصیف و تعریف از مزاری شده است و این همه هزینه کردن از او در روزمرگی‌های سیاست و مردم‌داری شده است، اما دریغ از ثبت خاطره‌ای و دریغ از یک جلد کتاب نوشتن از تاریخ مقاومت و دریغ از داشتن یک حلقه فیلم مستند از زندگی سیاسی و مبارزاتی او. رسانه‌های ما از زندگی و حرف مزاری، فقط شاهد گفتار و مقاصد سیاسی خود می‌آورند و در نتیجه، اندک اسنادی که از شهید مانده هم تکه تکه شده همچنان که وحدت و حزب مزاری تکه تکه شد.

66

هر چند بخشی از فعالیت‌هایی که جدیداً در حوزه تحقیقات و کارهای فرهنگی شروع شده است، مایه امیدواری است اما آن هم اگر متناسب با رشد سطح آگاهی جمعی پیش نرود، تأثیر چندانی بر سرنوشت جمعی نخواهد داشت و در نهایت فاصله ما با مزاری زیاد شده می‌رود و مزاری همچنان مظلوم و چهره ناشناخته باقی خواهد ماند.

99